



## آسیب شناسی آموزش عالی در ایران (مطالعه موردی رشته جامعه‌شناسی)

سجاد فتاحی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران

Email: [fattahisajjad@gmail.com](mailto:fattahisajjad@gmail.com)

محمد فاضلی، معصومه اشتیاقی، سیده نسترن زنجان رفیعی

Email [fazeli114@yahoo.com](mailto:fazeli114@yahoo.com)، [eshtiaghi87@yahoo.com](mailto:eshtiaghi87@yahoo.com)، [nastaran.rafiei@gmail.com](mailto:nastaran.rafiei@gmail.com)

### چکیده:

در این مقاله با بهره‌گیری از داده‌های پژوهشی با عنوان "ممیزی رشته جامعه‌شناسی" [۳]، که به سفارش دبیرخانه ممیزی توسعه علوم انسانی انجام شده است و در آن از طریق مطالعه اسنادی، انجام پیمایشی با شرکت بیش از ۲۰۰ نفر از اساتید و دانشجویان جامعه‌شناسی و انجام مصاحبه‌هایی عمیق با ۲۵ تن از اساتید، دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و محققین اجتماعی به بررسی وضعیت جامعه‌شناسی در ایران پرداخته شده است؛ برآنیم تا در وهله نخست با در نظر داشتن رشته جامعه‌شناسی به منزله خرده سیستمی از سیستم آموزش عالی ایران، به بررسی وضعیت خروجی‌های این خرده سیستم با توجه به دو معیار کیفیت خروجی‌های این خرده سیستم از دید کنشگران آن و جایگاه دانشگاه‌های ایران از نظر این رشته در بین دانشگاه‌های جهان بر اساس رتبه‌بندی‌های معتبر موجود اقدام نماییم. در گام بعد با توجه به نتایج حاصل از بخش نخست و در نظر داشتن این واقعیت که هر سیستم و خرده سیستم اجتماعی در پی دستیابی به اهداف مشخصی است؛ اقدام به آسیب‌شناسی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران و شناسایی علل موثر بر کیفیت نه چندان مناسب خروجی آن نموده‌ایم. با توجه به نتایج حاصل، به نظر می‌رسد برخی آسیب‌هایی که مسبب خروجی نه چندان مناسب کنونی در گروه‌ها و دانشکده‌های علوم اجتماعی شده است؛ به دلیل ماهیت برون سیستمی این آسیب‌ها، سایر خرده سیستم‌های نظام آموزش عالی در ایران را نیز تحت تاثیر قرار داده و از این رو بخشی از مباحث ارائه شده در این مقاله می‌تواند در جهت آسیب‌شناسی کل نظام آموزش عالی در ایران نیز به کار گرفته شود.

### کلمات کلیدی

نظریه سیستم‌ها، آسیب‌شناسی، جامعه‌شناسی



## مقدمه

سیستم‌ها و خرده سیستم‌های اجتماعی در ساختار کلی جامعه در ارتباطی متقابل با یکدیگر قرار دارند. علت برخی آسیب‌های مترتب بر خرده سیستم‌های مختلف را باید در ساختارهای کلان جامعه و روابطی جستجو کرد که این سیستم‌ها و خرده سیستم‌ها را به یکدیگر مرتبط نموده است. برخی دیگر از آسیب‌ها دارای عللی درون سیستمی بوده و برای برطرف نمودن آنها باید اصلاحاتی در درون سیستم مورد نظر صورت پذیرد. اما برای آسیب‌شناسی یک سیستم و یا خرده سیستم، جهت ایجاد منظری واحد در بین افراد مختلفی که به آن سیستم می‌نگرند و دوری گزیدن از نگرش‌های ارزشی‌ای که هر یک از افراد می‌توانند بر آن اساس، اقدام به آسیب‌شناسی سیستم مورد نظر نمایند، پیش از هر چیز باید مراد خود را از مفهوم آسیب مشخص نماییم.

از منظر این مقاله که با در نظر داشتن مفاهیم و نظریات موجود در مهندسی کنترل و جامعه‌شناسی، رویکردی بین‌رشته‌ای را اتخاذ نموده است<sup>۱</sup>؛ هر سیستم و نهاد اجتماعی همانند سیستم‌های مهندسی برای رسیدن به هدف و برآورده نمودن نیازی طراحی شده و پدید آمده است [۲]. با توجه به این امر، می‌توان تعریف زیر را از آسیب در سیستم‌های اجتماعی ارائه نمود: آسیب عبارت است از علتی که سبب شود، یک سیستم اجتماعی، به هدف و یا اهدافی که برای رسیدن به آن طراحی شده است، دست نیافته و یا به طور قابل قبولی به آنها دست نیابد.

## جامعه‌شناسی به مثابه خرده سیستمی از نظام آموزش عالی

همان گونه که دورکهم [۱۰] نیز بیان نموده است؛ علت‌العلل وجود نهادهای اجتماعی پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی است و اولین پرسشی که در مواجهه با یک نهاد و یا اندیشه تأسیس یک نهاد به میان می‌آید این است که این نهاد به چه نیاز انسانی پاسخ داده و یا قرار است پاسخ دهد؟ از این رو برای بررسی میزان کارایی سیستم‌ها و نهادهای اجتماعی باید با در نظر داشتن نیاز بنیادینی که آن سیستم و نهاد برای برآوردن آن بنیان نهاده شده است؛ وضعیت خروجی آن سیستم اجتماعی را سنجیده و با کالیبره نمودن آن با توجه به معیارهایی خاص؛ خطای آفست و یا فاصله خروجی واقعی این خرده سیستم را با مقدار مطلوب سنجیده و در صورت نامطلوب بودن این فاصله به شناسایی علل و آسیب‌هایی که خروجی نه چندان رضایت بخش کنونی را پدید آورده‌اند اقدام نماییم.

با توجه به نکات فوق، اگر هدف اصلی و عام سیستم و نهاد آموزش را انتقال دانش از سوی اساتید و کسب آن از سوی دانشجویان بدانیم [۱۴] - که البته دانشگاه‌ها وظایف دیگری نیز بر عهده دارند ولی عمده آن‌ها بر محور همین مقوله قابل تعریف است - می‌توانیم هدف اصلی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی را کسب و انتقال دانش اجتماعی و تربیت متخصصانی بدانیم که وظیفه فهم و تبیین جهان اجتماعی را بر عهده دارند.

در این مقاله قضاوت خود، درباره وضعیت خروجی‌های جامعه‌شناسی به عنوان خرده سیستمی از نظام آموزش عالی در ایران را بر دو معیار زیر بنا نهاده‌ایم:

- نگرش کنشگران درون خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی ایران نسبت به وضعیت خروجی‌های این خرده سیستم<sup>۲</sup>.
- وضعیت رتبه‌های دانشگاه‌های ایران از نظر رشته‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی در مقایسه با سایر

۱. با توجه به محدودیت موجود در تعداد صفحات مقاله در اینجا تنها به ذکر ایده کلی رویکرد خود پرداخته و توضیح بیشتر آنها را به موقعیت‌های دیگر موکول می‌نماییم.

۲. از آنجا که لزوماً نگرش کنشگران یک خرده سیستم به معنای وضعیت مناسب یا نامناسب آن خرده سیستم در عالم واقع نمی‌باشد؛ باید معیار دیگری نیز انتخاب می‌شد.



## ۱.۱. نگرش کنشگران خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی

پایان‌نامه‌های دانشجویان به ویژه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری را می‌توان یکی از مهمترین خروجی‌های خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی دانست. کیفیت کلی این پایان‌نامه‌ها به میزان زیادی گویای میزان انگیزه و سطح توانایی‌هایی است که دانشجویان در دوران تحصیل خود کسب کرده‌اند. از این رو برای آشنایی با وضعیت این خروجی، بخشی از پرسش‌های پیمایش صورت گرفته و مصاحبه‌های انجام شده را به وضعیت کیفی پایان‌نامه‌ها از منظر اساتید و دانشجویان جامعه‌شناسی اختصاص دادیم.

بر اساس نتایج حاصل از پیمایش صورت گرفته در حالی که ۶۴.۳ درصد از پاسخگویان، پایان‌نامه‌ها را دارای کیفیت و استاندارد قابل قبولی ندانسته‌اند، ۱۳.۴ درصد از آنان کیفیت پایان‌نامه‌ها را مناسب ارزیابی کرده‌اند. نتایج این پیمایش به میزان زیادی در راستای نتایج به دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده است. بخش وسیعی از اساتید و دانشجویان شرکت کننده در مصاحبه‌ها معتقداند که پایان‌نامه‌ها از نظر انتخاب موضوع از دقت و کیفیت لازم برخوردار نیستند و همین امر در ادامه بر کیفیت کلی کار انجام شده اثرگذار می‌باشد. بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، دانشجویان از میزان تعهد و وقتی که اساتید راهنما به پایان‌نامه‌ها اختصاص می‌دهند ارزیابی چندانی مثبتی ندارند. نتایج حاصل از پیمایش نیز نشان می‌دهد که ۶۶.۸ و ۷۳.۸ از شرکت‌کنندگان در پیمایش معتقد بوده‌اند که به ترتیب اساتید راهنما و مشاور وقت کافی به پایان‌نامه‌ها اختصاص نداده و دیالوگ علمی‌ای بین اساتید و دانشجویان در فرایند پایان‌نامه نویسی شکل نمی‌گیرد. این در حالی است که ۱۳.۹ و ۱۰.۹ درصد از شرکت‌کنندگان معتقد بوده‌اند که اساتید راهنما و مشاور وقت مناسبی را به پایان‌نامه‌ها اختصاص می‌دهند. عدم رضایت دانشجویان از راهنمایی اساتید در مراحل میانی نگارش پایان‌نامه، موضوعی است که برخی پژوهش‌های صورت گرفته در اوایل دهه ۸۰ نیز به آن اشاره کرده‌اند [نگاه کنید به ۹]، که با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان بیان نمود که به نظر می‌رسد در پایان این دهه حوزه این نارضایتی به مراحل ابتدایی و پایانی فرایند پایان‌نامه نویسی نیز گسترش یافته است. از نظر دانشجویان حاضر در مصاحبه‌ها و پیمایش صورت گرفته، بخش وسیعی از اساتید، افزایش رتبه علمی خود و مزایای مادی پایان‌نامه‌ها را در اولویت می‌دانند. اساتید نیز معتقداند که اکثر دانشجویان از انگیزه لازم برای یادگیری برخوردار نیستند. اکثریت اساتید و دانشجویان، جلسات دفاع پایان‌نامه‌ها را، جلساتی غیر جدی دانسته‌اند که تنها به دلیل آنکه بخشی از روال اداری است می‌بایست انجام گردد. تقریباً تمامی اساتید شرکت کننده در مصاحبه‌ها معتقد بوده‌اند که نمرات تخصیص یافته به پایان‌نامه‌ها گویای کیفیت آنها نمی‌باشد و فرایند نمره‌دهی بیشتر تحت تاثیر روابط اساتید راهنما، مشاور و داور با یکدیگر است. در پیمایش صورت گرفته نیز هنگامی که در قالب گویه‌ای از شرکت‌کنندگان خواسته شد که موافقت و یا مخالفت خود را درباره رعایت استانداردهای علمی در نمره‌دهی به پایان‌نامه‌ها بیان کنند ۶۶.۴ درصد از شرکت‌کنندگان با این گویه مخالفت کرده، ۷.۴ درصد با آن موافق بوده و ۲۰.۸ درصد نیز گزینه‌های نمی‌دانم و نظری ندارم را انتخاب نموده‌اند.

در کنار وضعیت پایان‌نامه‌ها، سطح توانایی و انگیزه دانشجویان را نیز می‌توان شاخصی دیگر جهت سنجش خروجی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در ایران دانست. یکی از نشانه‌های کارآمدی یک نظام آموزشی، سطح توانایی‌هایی است که دانشجویان پس از اتمام دوران آموزشی خود کسب کرده‌اند. از سوی دیگر میزان توانایی و انگیزه دانشجویان متغیرهایی تاثیرگذار بر کیفیت پایان‌نامه‌ها می‌باشد. از دانشجویانی فاقد توانایی‌ها و انگیزه‌های لازم نمی‌توان انتظار داشت که در پایان دوران تحصیل خود پایان‌نامه‌هایی واجد شرایط کیفی مناسب ارائه



نمایند.

بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه‌های انجام شده که به میزان زیادی موید نتایج حاصل از تحقیقات صورت گرفته پیشین (نگاه کنید به [۵] و [۶])، می‌باشد فضای آموزش جامعه‌شناسی در دانشگاه‌های ایران با بحران توانایی و انگیزه دانشجویان مواجه شده است. اکثریت قابل توجهی از اساتید و دانشجویان شرکت کننده در مصاحبه‌ها، فضای کلاس‌های درس را فضایی بی روح تصویر کرده‌اند که در آن فضا نه استاد و نه دانشجو انگیزه و انرژی احساسی چندانی ندارد.

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد کنشگران درون خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران نسبت به کیفیت خروجی‌های این خرده سیستم با توجه به اهدافی که می‌بایست در پی برآوردن آن باشد نگرش چندان مثبتی ندارند.

اگرچه نگرش منفی کنشگران یک خرده سیستم اجتماعی نسبت به خروجی‌های آن، لزوماً به معنای سطح کیفی نامناسب آن خروجی‌ها نمی‌باشد اما صرف وجود همین نگرش منفی فارغ از صحت و یا عدم صحت آن می‌تواند آسیب‌های جبران ناپذیری را به سیستم‌های اجتماعی وارد کرده و حتی در بلندمدت بر خروجی‌های آن سیستم اثرگذار باشد

## ۲.۱. وضعیت رتبه‌ای دانشگاه‌های ایران

معیار دیگری که می‌توان بر آن اساس، پیرامون وضعیت خروجی‌های خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در ایران قضاوت نمود؛ وضعیت رتبه‌ای دانشگاه‌های ایران از نظر رشته‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی در مقایسه با سایر دانشگاه‌های جهان می‌باشد. دو سیستم معتبر رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان، یعنی پایگاه رتبه‌بندی دانشگاه‌های برتر<sup>۳</sup> [۱۲] و نظام رتبه‌بندی شانگهای<sup>۴</sup> [۱۱]، هر ساله رتبه‌بندی‌هایی را از دانشگاه‌های مختلف جهان در حوزه‌های مختلف ارائه می‌نمایند که گزارش این بخش بر اساس آخرین رتبه‌بندی‌های آنها در سال ۲۰۱۳ ارائه شده است. پایگاه شانگهای، رتبه‌بندی خود را بر اساس شاخص‌هایی عینی، چون فارغ‌التحصیلان و اعضای هیئت علمی برنده جایزه نوبل و فیلد مدالها، تعداد پژوهشگران پر استناد که بوسیله تامسون ساینتیفیک<sup>۵</sup> انتخاب شده‌اند، تعداد مقالات منتشر شده در مجلات نیچر و ساینس<sup>۶</sup>، تعداد مقالات نمایه شده در نمایه استنادی علوم و علوم اجتماعی و عملکرد سرانه با توجه به اندازه یک موسسه، انجام می‌دهد<sup>۷</sup>.

در جدول شماره ۱ نام برخی کشورهای آسیایی و تعداد دانشگاه‌های آنها که در محدوده رتبه‌ای زیر ۲۰۰ قرار گرفته‌اند ذکر شده است.

جدول ۱: نام کشورهای آسیایی و تعداد دانشگاه‌های هر یک در بین ۲۰۰ دانشگاه برتر (منبع: [۱۱])

| نام کشور و تعداد دانشگاه‌های آن در محدوده‌های مختلف رتبه‌بندی | محدوده رتبه‌بندی |
|---|------------------|
| اسرائیل (۲) / هنگ کنگ (۱)                                     | ۷۵ - ۵۱          |
| هنگ کنگ (۱)   | ۱۰۰ - ۷۶         |
| هنگ کنگ (۳) / مالزی (۲)                                       | ۱۵۰ - ۱۰۱        |

3 Top universities

4 Shanghai ranking

5 Thomson Scientific

6 Nature and Science

۷. در این رتبه‌بندی هر ساله بیش از ۱۰۰۰ دانشگاه رتبه‌بندی می‌شوند که رتبه‌بندی نهایی ۵۰۰ دانشگاه برتر در پایگاه اینترنتی ARWU منتشر می‌گردد. در حوزه علوم

اجتماعی نیز تنها عنوان ۲۰۰ دانشگاه برتر در این حوزه منتشر شده است.



همانطور که ملاحظه می‌شود هیچ یک از دانشگاه‌های ایران در بین ۲۰۰ دانشگاه برتر قرار نگرفته‌اند. شایان ذکر است که در رتبه‌بندی عمومی، تنها دانشگاه ایرانی که در بین ۵۰۰ دانشگاه برتر قرار دارد دانشگاه تهران می‌باشد که در محدوده رتبه‌ای ۴۰۰ تا ۵۰۰ قرار گرفته است.

پایگاه رتبه‌بندی دانشگاه‌های برتر نیز هر ساله رتبه‌بندی‌ای را از دانشگاه‌های مختلف جهان در حوزه‌های مختلف بر اساس شاخص‌هایی چون اعتبار آکادمیک، شهرت اساتید و نسبت ارجاع به مقالات هر یک از اعضای هیات علمی ارائه می‌نماید. این پایگاه برای سال ۲۰۱۳ نیز رتبه‌بندی‌ای را از ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان در رشته جامعه‌شناسی ارائه داده است. بر اساس داده‌های این پایگاه، دانشگاه‌های برکلی، هاروارد و کالیفرنیا از ایالات متحده به ترتیب در رده‌های نخست قرار گرفته و در بین ۱۰ دانشگاه برتر به جز مدرسه علوم اقتصادی و سیاسی لندن، دانشگاه آکسفورد و دانشگاه کمبریج که به ترتیب در رتبه‌های ۴، ۷ و ۹ قرار گرفته‌اند سایر دانشگاه‌ها، در آمریکا قرار دارند.

در این رتبه‌بندی در بین کشورهای آسیایی بهترین رتبه‌های اخذ شده متعلق به دانشگاه ملی سنگاپور، دانشگاه چینی هنگ‌کنگ و دانشگاه هنگ‌کنگ می‌باشد که به ترتیب در رتبه‌های ۱۴، ۳۹ و ۴۰ قرار گرفته‌اند.<sup>۸</sup> نام کشورهای آسیایی و تعداد دانشگاه‌های آنها که در حوزه جامعه‌شناسی موفق شده‌اند در محدوده‌های رتبه‌ای زیر ۲۰۰ قرار گیرند در جدول شماره ۲ ذکر شده است.

جدول ۲: نام کشورهای آسیایی و تعداد دانشگاه‌های هر یک در بین ۲۰۰ دانشگاه برتر (منبع: [۱۲])

| محدوده رتبه‌بندی | تعداد دانشگاه‌های هر کشور              |
|------------------|--|
| ۵۱ - ۱۰۰         | چین (۱) / کره جنوبی (۱)                |
| ۱۰۱ - ۱۵۰        | هنگ کنگ (۱) / تایوان (۱) / اسرائیل (۱) |
| ۱۵۱ - ۲۰۰        | اسرائیل (۱) / هنگ کنگ (۱)              |

بر اساس داده‌های فوق، وضعیت خروجی‌های خرده سیستم آموزش علوم اجتماعی به طور عام و رشته جامعه‌شناسی به طور خاص در ایران، نه تنها در مقایسه با دانشگاه‌های برتر جهان در وضعیت مناسبی قرار ندارد بلکه این وضعیت حتی در مقایسه با کشورهای برتر آسیایی در این زمینه نیز چندان رضایت بخش نیست. با در کنار هم قرار دادن این داده‌ها و داده‌هایی که در بخش پیشین به آن اشاره شد و گویای عدم رضایت کنشگران رشته جامعه‌شناسی از وضعیت کیفی پایان‌نامه‌های دانشجویی در مقاطع ارشد و دکتری و همچنین سطح توانایی و انگیزه دانشجویان جامعه‌شناسی در ایران بود؛ می‌توان با قطعیت بیشتری بیان کرد که سطح کیفی خروجی کنونی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران چندان رضایت بخش نیست و این خرده سیستم، نیازمند اصلاحاتی عمیق در جهت بهبود وضعیت خروجی آن می‌باشد؛ که در بخش‌های بعدی این مقاله در حد توان به نکاتی پیرامون آن اشاره خواهد شد.

### ۳. آسیب‌شناسی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران

با توجه به معیارهای اشاره شده در بخش قبل به نظر می‌رسد علیرغم رشد کمی قابل ملاحظه صورت گرفته در

۸ منبع کلیه داده‌های این بخش سایت رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان، QS، می‌باشد. آدرس این سایت در بخش منابع ذکر شده است.



سال‌های گذشته از نظر تعداد دانشجویان، تعداد مقالات و ...<sup>۹</sup> خروجی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران از نظر کیفی در وضعیت چندان رضایت بخشی قرار ندارد.

با توجه به تعریف ارائه شده از آسیب، تولید یک خروجی نامناسب در یک سیستم اجتماعی می‌تواند ناشی از دو دسته عوامل باشد که برای شناسایی آنها می‌بایست اقدام به نوع آسیب‌شناسی نماییم. در یک نوع آسیب‌شناسی که می‌توان آن را آسیب‌شناسی درون سیستمی نامید؛ اقدام به شناسایی علل داخلی‌ای که موجب تولید یک خروجی نامناسب می‌گردد می‌نماییم و در آسیب‌شناسی دیگر که آن را آسیب‌شناسی برون سیستمی می‌نامیم با در نظر داشتن رابطه این خرده سیستم با سایر سیستم‌ها و خرده سیستم‌های اجتماعی، علل خارجی‌ای که موجب تولید این خروجی نامناسب از سوی خرده سیستم مورد نظر شده‌اند را شناسایی می‌نماییم. در زمینه آسیب‌شناسی سیستم‌های اجتماعی به این نکته می‌بایست توجه نمود که در شرایطی که تمامی خرده سیستم‌های مشابه موجود در یک جامعه از آسیب‌های نسبتاً مشابهی رنج می‌برند، علل اصلی‌تر این آسیب‌ها را می‌بایست در خارج از این خرده سیستم‌ها جستجو کرد. با در نظر داشتن خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی، داده‌های حاصل از پیمایش و مصاحبه‌های صورت گرفته گویای آن است که تقریباً تمامی گروه‌ها و دانشکده‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی از آسیب‌های نسبتاً مشابهی رنج می‌برند که با توجه به نکته طرح شده، آسیب‌شناسی برون سیستمی در خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران اهمیت بیشتری می‌یابد.

### ۳.۱. آسیب‌شناسی درون سیستمی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران

با توجه به روابط بین کنشگران درون خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی، عوامل تاثیرگذار بر خروجی این خرده سیستم (کیفیت پایان‌نامه‌های دانشجویی و سطح انگیزه و توانایی دانشجویان) را می‌توان به صورت زیر برشمرد: توانایی و انگیزه اساتید، سطح توانایی و انگیزه اولیه دانشجویان به هنگام ورود به دانشگاه، فضا، قواعد و هنجارهای حاکم بر گروه‌های آموزشی.

در زمینه انگیزه فعالیت علمی بین اساتید، ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان در پیمایش صورت گرفته میزان این انگیزه را خیلی کم (۵.۹)، کم (۳۰.۲) و کم و بیش (۴۴.۱) ارزیابی کرده و ۱۵.۹ درصد نیز معتقد بوده‌اند که این انگیزه در بین اساتید زیاد و خیلی زیاد می‌باشد. با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته اکثریت قابل توجهی از دانشجویان فضای کلاس‌های درس را فضایی بی روح تصویر کرده‌اند که انتظارات آنها را برآورده نمی‌نماید؛ علت این امر را می‌توان در برخی ویژگی‌های حاکم بر نظام آموزشی ایران از قبیل آموزش اقتدارگرایانه، غیر مشارکتی، تک صدایی و نادیده گرفته شدن علائق و فردیت دانشجویان در فرایند آموزش دانست (نگاه کنید به [۸] و [۴]). از سوی دیگر با در نظر داشتن نتایج حاصل از مصاحبه‌ها می‌توان به بحرانی تحت عنوان بحران مشروعیت اساتید جامعه‌شناسی در بین دانشجویان اشاره کرد؛ که بر آن اساس، فارق از میزان واقعی توانایی و انگیزه اساتید، اکثریت قابل توجهی از دانشجویان،

۹ بر اساس "آمارهای موسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزش عالی تعداد دانشجویان جامعه‌شناسی در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ در مقایسه با سال تحصیلی ۸۵-۸۶ بیش از ۲/۵ برابر افزایش داشته است همچنین بر اساس پژوهشی دیگر [۱] در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ ظرفیت دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی و در مقطع کارشناسی ارشد، در حدود ۱۰ برابر رشد داشته است، در حوزه تعداد مقالات، نشریات و پایان‌نامه‌ها نیز رشد کمی قابل ملاحظه‌ای صورت گرفته است که به دلیل محدودیت صفحات مقاله در اینجا از ذکر آن خودداری می‌نماییم.



اکثریت قابل توجهی از اساتید خود را فاقد توانایی و انگیزه لازم برای تدریس می‌دانند<sup>۱۰</sup>. طبیعی است که در چنین فضایی که دانشجویان با دیده تردید به انگیزه و توانایی اساتید خود می‌نگرند نمی‌توان از آنان انتظار داشت که از سطح توانایی و انگیزه قابل قبولی برخوردار باشند. این نگرش تردید آمیز نسبت به توانمندی‌های اساتید، خود را در فرایند نگارش پایان‌نامه توسط دانشجویان نشان داده است؛ به گونه‌ای که ۶۶.۸ درصد از پاسخگویان پیمایش بیان کرده‌اند که بین دانشجویان و اساتید در فرایند پایان‌نامه‌نویسی دیالوگ علمی خاصی ایجاد نمی‌شود؛ این در حالی است که تنها ۱۳.۹ درصد به شکل‌گیری چنین دیالوگی در فرایند پایان‌نامه نویسی معتقد بوده‌اند. سطح توانایی و انگیزه اساتید، فارغ از پارامترهایی چون وضعیت اقتصادی جامعه که خارج از حیطه تحلیل این مقاله قرار می‌گیرد؛ با مکانیزم انتخاب اساتید و شیوه‌های ارزشیابی آنان، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. در شرایطی که معیارهایی دیگر، غیر از توانایی و انگیزه علمی اساتید به هنگام گزینش و ارتقاء آنان در اولویت قرار می‌گیرد؛ نمی‌توان از آنان انتظار سطح بالایی از توانمندی و انگیزه علمی داشت.

در کنار عامل فوق به دلیل مکانیزمی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد بخشی از وضعیت نه چندان مناسب خروجی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران، ناشی از سیاست‌های نامناسب گزینش دانشجو در نظام آموزش عالی ایران می‌باشد. بخشی از این آسیب، آسیبی درون سیستمی بوده و بخش دیگر آن، ناشی از نوع رابطه این خرده سیستم با سایر سیستم‌ها می‌باشد؛ که در بخش بعدی به آن پرداخته خواهد شد. یکی از مواردی که بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته در سالیان گذشته موجبات افت کیفی خروجی‌های این خرده سیستم را پدید آورده است؛ افزایش بی‌رویه ظرفیت دانشگاه‌ها در مقاطع مختلف تحصیلی در چند سال گذشته می‌باشد. آنچه که افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها را به بحرانی برای کیفیت نظام آموزش عالی در ایران تبدیل کرده است، مکانیزم نامناسب پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشد. به عبارتی در این نظام، معیار پذیرش دانشجو تعداد ظرفیت دانشگاه‌هاست؛ در دهه‌های پیش بواسطه رقابت ایجاد شده بین داوطلبان به دلیل محدود بودن این ظرفیت، دانشجویانی با سطح علمی بالاتر که طبیعتاً می‌بایست از حداقل سطح علمی لازم برخوردار بودند به سیستم دانشگاهی راه می‌یافتند. اما با افزایش بی‌رویه ظرفیت دانشگاه‌ها و اوج‌گیری گرایش به مدرک‌گرایی در جامعه ایران در دهه ۸۰، این نقص موجود در سیستم پذیرش دانشجو، خود را به صورت روشن‌تری نشان داد؛ به این ترتیب بواسطه آنکه در این نظام پذیرش، معیار اصلی برای ورود به دانشگاه، ظرفیت دانشگاه‌ها می‌باشد و نه حداقل سطح علمی داوطلبان برای ورود به دانشگاه، با افزایش بی‌رویه ظرفیت دانشگاه‌ها در دهه ۸۰، تعداد زیادی از داوطلبانی که به دانشگاه‌ها راه یافتند که اصولاً فاقد حداقل سطح توانایی‌های لازم برای ورود به دانشگاه بودند؛ این امر بویژه در دانشگاه‌های درجه دو و سه کشور، موجب شد، اساتید با تعداد زیادی از دانشجویان مواجه گردند که فاقد حداقل سطح لازم برای حضور در نظام آموزش عالی کشور بودند، همین امر موجب کاهش سطح معیارهای ارزشیابی اساتید در دانشگاه‌ها گردید و فشارهای هنجاری را بر اساتیدی که خواهان ارزشیابی دانشجویان جدید با معیارهای گذشته بودند افزایش داد؛ از این رو اساتید به دلیل فشار هنجاری‌ای که بواسطه عدم دادن نمره قبولی به بخش وسیعی از دانشجویان بر آنان وارد می‌شد معیارهای ارزشیابی خود را کاهش داده و در چنین فرایندی، حتی دانشجویانی که فاقد حداقل توانایی‌های لازم برای فارغ‌التحصیلی از رشته‌های تحصیلی خود بودند توانستند و می‌توانند از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل گردند. که همین امر خود یکی از عوامل موثر در افت سطح کیفی خروجی‌های سیستم آموزش عالی به طور عام و خرده سیستم آموزش

۱۰ به نظر می‌رسد با توجه به نتایج حاصل از برخی پژوهش‌های دیگر این بحران، مختص به رشته جامعه‌شناسی در ایران نبوده و سایر رشته‌های دیگر نیز کم و بیش با آن

مواجه‌اند (برای نمونه نگاه کنید [۸]).



جامعه‌شناسی به طور خاص می‌باشد.

سومین عامل درون سیستمی موثر بر خروجی نه چندان رضایت بخش خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران را می‌توان در قواعد هنجاری حاکم بر گروه‌های آموزش علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی جستجو کرد. با توجه به نتایج حاصل از مصاحبه‌ها و برخی پژوهش‌های دیگر [۶] فضای حاکم بر گروه‌های آموزشی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی بیشتر مورد پسند اساتید کم‌کارتر می‌باشد. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، قواعد هنجاری‌ای بر گروه‌های آموزشی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی حاکم شده، که ابزار ارتباطی این خرده سیستم یعنی تعهد به کسب و انتقال دانش اجتماعی را تحت فشار قرار داده است. قواعدی همچون تقسیم دروس در بین اساتید که موجب شده است اساتید، بدون احساس وجود رقیب و ناظری بر کار خود و بدون انجام تلاش برای افزایش سطح علمی خود و بدون توجه به پیشرفت‌های فراوان صورت گرفته در سطح جهان، سال‌ها یک جزوه خاص را تدریس نمایند. با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته در برخی از گروه‌های آموزشی علیرغم نارضایتی بخش وسیعی از دانشجویان و حتی اساتید حاضر در این گروه‌ها از سطح کیفی تدریس برخی دروس مهم چون نظریه‌های جامعه‌شناسی و روش‌های تحقیق، بواسطه حاکمیت قواعد هنجاری‌ای که معیارهایی غیر از توانایی و انگیزه اساتید در تدریس دروس را در اولویت قرار داده‌اند، سال‌هاست که تنها اساتیدی خاص، به تدریس این دروس مهم ادامه می‌دهند. طبیعی است که در چنین شرایطی میزان توانایی و انگیزه دانشجویان به شدت کاهش خواهد یافت و سطح کیفی پایان‌نامه‌ها نیز به واسطه ضعف برخی گروه‌های آموزشی در زمینه تدریس این دروس مهم تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. بر اساس نتایج حاصل از پیمایش صورت گرفته، هنگامی که از پاسخگویان خواسته شد موافقت و یا مخالفت خود را با این گویه که "در زمینه واگذاری دروس جهت تدریس در گروه‌های آموزشی به اساتید به توانمندی‌های آنان توجه می‌شود" اعلام نمایند ۶۶.۹ درصد از پاسخگویان با این گویه کاملاً مخالف و مخالف، ۹.۹ درصد با این گویه موافق و مابقی آن را بی‌پاسخ گذاشته و یا نظری پیرامون آن نداشته‌اند. با توجه به نتایج حاصل، حاکمیت قواعد هنجاری نامناسب، تنها در زمینه واگذاری دروس جهت تدریس نمی‌باشد و در زمینه واگذاری پایان‌نامه‌ها نیز قواعدی بر گروه‌های آموزشی حاکم شده است که به شدت به کیفیت پایان‌نامه‌ها آسیب می‌رساند. قواعدی همچون لزوم انتخاب استاد راهنما از داخل گروه، حتی در صورت عدم ارتباط تخصص اساتید با موضوع پایان‌نامه دانشجویان، قرار دادن سقف تعداد پایان‌نامه برای اساتید، که در کنار قاعده هنجاری پیشین سبب می‌شود که حتی اساتید فاقد توانایی و انگیزه لازم نیز هر ساله مسئولیت راهنمایی تعدادی از دانشجویان را بر عهده گرفته و از مزایای مادی و معنوی آن بهره‌مند گردند، برخی از این قواعد هنجاری نانوخته می‌باشد که به شدت بر کیفیت خروجی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی تاثیر گذاشته است. مجموعه این عوامل سبب شده است که هنگامی که از پاسخگویان در پیمایش خواسته شد که نظر خود را پیرامون اولویت معیارهای علمی در گروه‌های آموزشی بیان کنند ۷۴.۸ درصد از آنان با گویه "اولویت معیارهای علمی در گروه‌های آموزشی" مخالف و یا کاملاً مخالف بوده و ۷.۴ درصد نیز با این گویه موافق بوده‌اند، سایرین نیز نظری پیرامون آن نداشته و یا آن را بی‌پاسخ گذاشته‌اند.

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد با توجه به این امر که اکثر قریب به اتفاق گروه‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی با آسیب‌های درون سیستمی مشابهی که در قسمت فوق به برخی از آنها اشاره شد مواجه هستند؛ علت اساسی این آسیب‌ها را می‌بایست در قواعد عام حاکم بر این گروه‌ها و روابط آنها با سایر سیستم‌ها و خرده سیستم‌های اجتماعی جستجو کرد که همین امر بر اهمیت آسیب‌شناسی برون سیستمی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی که در بخش بعد به آن پرداخته شده است می‌افزاید.





### ۳.۲. آسیب‌شناسی برون سیستمی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران

با توجه به این امر که سیستم آموزش عالی و به طبع آن خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی به دلیل سطح تفکیک سیستمی پایین در ساختار سیستمی ایران چه در زمینه‌های گزینش و انتخاب اساتید و چه در زمینه انتخاب تعداد دانشجویان و تعیین حداقل سطح توانایی‌های لازم برای آنان جهت ورود به دانشگاه از سایر سیستم‌ها و خرده سیستم‌های جامعه ایران مستقل نمی‌باشد (نگاه کنید [۴])، برخی علل آسیب‌های مترتب بر خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران را می‌بایست در نوع رابطه این خرده سیستم با سایر سیستم‌ها در جامعه ایران جستجو کرد. با در نظر داشتن داده‌های حاصل از بخش کمی و کیفی پژوهش صورت گرفته، سیستم‌های فعال و تاثیرگذار بر خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی ایران را می‌توان به صورت زیر بر شمرد:

- سیستم سیاسی، که خود متشکل از دو بخش سیستم دولت و سایر سیستم‌های حکومتی است که در زیر مجموعه دولت قرار نگرفته و از نظر قدرت تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات خود از دولت استقلال دارند.
- دانشگاه‌ها، که در ایران، سیستم‌هایی مستقل از سیستم سیاسی نیستند و از نظر قوانین رسمی زیرمجموعه سیستم دولتی و از نظر قوانین غیر رسمی حیطه مشترک دوی بخش مختلف سیستم سیاسی هستند که در مورد قبل به آنها اشاره شد.

با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته، نگاه بخش دولتی حاکمیت، به جامعه‌شناسی بسته به آنکه نگاه غالب در آن چگونه باشد در سال‌های گذشته متفاوت بوده است؛ به عبارتی با به قدرت رسیدن هر یک از دو جریان اصلی سیاسی کشور نگاه بخش دولتی حاکمیت به جامعه‌شناسی تغییر کرده و همین امر موجبات بخشی از رشد و یا افول این رشته را فراهم نموده است.

اما نگاه بخش غیر دولتی حاکمیت در تمامی سال‌های گذشته نسبت به جامعه‌شناسی نگاهی بدبینانه بوده که با در نظر داشتن مصاحبه‌های صورت گرفته، با توجه به رخداد‌های سیاسی چند سال اخیر در فضای کشور بر میزان این شکاف و بدبینی افزوده شده است. با توجه به میزان منابع این بخش از حاکمیت و نفوذ آن در تصمیم‌گیری‌های درون دانشگاه‌ها در زمینه‌های آموزشی و ارتقاء اساتید، بواسطه وضع قواعدی و رای شایستگی‌های علمی بواسطه برخی نهادهای حاضر در دانشگاه که زیر مجموعه آن می‌باشند، بخشی از علل خروجی نه چندان مناسب خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی و بویژه سطح توان و انگیزه اساتید را که عاملی موثر بر سطح توان و انگیزه دانشجویان می‌باشد، می‌بایست در آن جستجو کرد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به معیارهای ارائه شده، خروجی کنونی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران از وضعیت چندان مطلوبی برخوردار نیست. همانطور که اشاره شد علل این امر را می‌بایست در دو دسته عوامل درون و برون سیستمی جستجو کرد، با توجه به مشترک بودن بخش اعظم آسیب‌های اشاره شده و شرایط نسبتاً مشابه گروه‌های آموزشی از حیث مسائلی که با آن مواجه‌اند، به نظر می‌رسد علل موثر بر خروجی کنونی گروه‌های مختلف آموزش جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در ایران عللی مشترک بوده و آنها را می‌توان ذیل دو عامل مهم قواعد هنجاری نامناسب حاکم بر گروه‌های آموزشی و نوع رابطه این خرده سیستم با سیستم‌های موجود در عرصه حاکمیتی خلاصه کرد، اصلاح برخی قواعد هنجاری آسیب‌زا که در این مقاله به برخی از آنها اشاره شد، ارزشیابی مداوم اساتید و از بین بردن حاشیه امن بی مورد ایجاد شده برای برخی اساتید غیر فعال که از سطح توانایی و انگیزه مناسبی برخوردار نیستند و افزایش مشارکت دانشجویان در تصمیم‌گیری‌های گروه‌های آموزشی به عنوان نیمی دیگر از کنشگران درون این خرده سیستم که



می‌توانند با دفاع از منافع خود از حیث برخورداری از اساتید توانا در زمینه‌های مختلف، بر پویایی گروه‌های آموزشی بیفزایند و تا کنون از چرخه تصمیم‌گیری این گروه‌ها به دور بوده‌اند و همین امر منجر به نادیده گرفته شدن منافع آموزشی آنها در تصمیم‌گیری‌های گروه‌های آموزشی شده است، برخی راه‌کارهای درون سیستمی جهت بهبود وضعیت کنونی می‌باشد. اعطای استقلال بیشتر به خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران به طور خاص و نظام آموزش عالی به طور عام نسبت به سایر سیستم‌های موجود در آرایش سیستمی جامعه ایران که البته به نظر می‌رسد بواسطه ناکارآمدی موجود می‌بایست پس از انجام اصلاحاتی مقدماتی و به صورت گام به گام و تدریجی صورت پذیرد؛ و عدم دخالت سیستم‌ها و خرده سیستم‌های دیگر در آن که بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته و با استفاده از مفاهیم نظریه سیستمی لومن منجر به حاشیه رانده شدن ابزار ارتباطی این خرده سیستم یعنی تعهد به کسب و انتقال دانش اجتماعی و حاکمیت ابزارهای ارتباطی سیستم‌های سیاسی و اقتصادی یعنی قدرت و پول شده است ( نگاه کنید به [۱۳]) از جمله راه‌کارهای برون سیستمی جهت اصلاح وضعیت کنونی خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران می‌باشد؛ شایان ذکر است که به نظر می‌رسد برخی آسیب‌های وارد بر خرده سیستم آموزش جامعه‌شناسی در ایران، آسیب‌هایی است که کلیت نظام آموزش عالی در ایران با آن مواجه است و برای بهبود عملکرد خود نیازمند ایجاد اصلاحاتی درون سیستمی و برون سیستمی در جهت برطرف نمودن این آسیب‌ها می‌باشد. باید توجه داشت که ادامه روند کنونی و عدم توجه به این آسیب‌ها، سبب ناپایداری بیشتر و بحرانی‌تر شدن خروجی نظام آموزش عالی در ایران شده و کلیت آرایش سیستمی موجود را بواسطه ضعف ایجاد شده در یکی از مهمترین خرده سیستم‌های آن در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی با مسائل مهمی روبرو خواهد کرد.

## منابع و مراجع

- [۱] جمالی، احسان: عرضه و تقاضای تحصیلات تکمیلی در آموزش عالی ایران، مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی انجمن آموزش عالی ایران، تهران، خرداد ۱۳۹۲، صفحات ۱-۱۴
- [۲] فاضلی، محمد و فتاحی، سجاد: شهرداری به منزله نهاد اجتماعی، مجموعه مقالات همایش شهرداری به منزله نهاد اجتماعی، جلد سوم، تهران: تیسرا، ۱۳۹۰، صفحات ۱-۳۲
- [۳] فاضلی، محمد و فتاحی، سجاد و اشتیاقی، معصومه و زنجان رفیعی، سیده نسترن: ممیزی رشته جامعه‌شناسی. دبیرخانه ممیزی توسعه علوم انسانی. ۱۳۹۲. بی‌جا
- [۴] فاضلی، نعمت‌الله. مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار. جلد دوم. تهران. بهمن ۱۳۸۳. ۱۲۱-۱۵۸
- [۵] قانع‌راد، محمد امین، مجموعه مقالات همایش مسائل علوم اجتماعی ایران. تهران. اردیبهشت ۱۳۸۵. ۳۱۷-۳۲۴
- [۶] قانع‌راد، محمد امین. طلوع، ابوالقاسم. خسروخاور، فرهاد. عوامل، انگیزش‌ها و چالش‌های تولید دانش در بین نخبگان علمی. فصل‌نامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری. شماره ۲. تابستان ۱۳۸۷. ۷۱-۸۵
- [۷] قانع‌راد، محمد امین. ابراهیم‌آبادی، حسین: تاثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. شماره ۴. ۱۳۸۹. ۱-۲۷
- [۸] مرادی‌مقدم، مصطفی: بررسی کیفیت مطلوب نظام آموزش عالی و راه‌های اجرایی رسیدن به آن، مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی انجمن آموزش عالی ایران، تهران، خرداد ۱۳۹۲، صفحات ۱۰۵-۱۲۲
- [۹] نیلی، محمدرضا. مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار. جلد دوم. تهران. بهمن ۱۳۸۳. ۴۳۳-۴۵۲

[10] Durkheim, Emile: *The roles of sociological method*. translated by W.D.Halls..New York . free press.1982

[11] shanghai ranking: *Academic Ranking of World Universities*. <http://www.shanghai ranking.com/>. 2013

[12] topuniversities: *worldwide university ranking, guides and events*. <http://www.topuniversities.com>. 2013

[13] Turner, Jonathan H: *The structure of sociological theory*. New York: Thomson.2003



شماره مقاله  
1060 – QAUS

اولین کنفرانس ملی ارزیابی کیفیت در نظام‌های دانشگاهی  
تهران – دانشگاه صنعتی شریف – اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳

---

[14] Turner , Jonathan H: *theoretical principles of sociology, volume 1* . New York : springer. 2010